

۶



روایت حسن گل‌مکانی
از کودکانی که در خانه
سیل زده گیر افتاده بودند

همسایه ناجی



۷



جشن فرشته‌ها در محله بهشتی

۲



تردد خلاف جهت در خیابان یک طرفه

چطور پای حسن محبوب فرد
فوتبالیست شناخته شده دهه ۶۰ مشهد به سازمان تاکسی رانی باز شد؟

وسوسه پژو قسطی

۵۰۴





اهالی محله انقلاب از ترافیک خودروها در خیابان سحر گلایه دارند

تردد خلاف جهت در خیابان یک طرفه



سمیرا منشادی | خیابان سحر، یکی از خیابان‌های پرتردد محله انقلاب است؛ معبری که به واسطه بازار محله‌اش در همه ساعت‌ها پرتردد است. به دلیل همین شلوغی اوایل سال ۱۴۰۲ از خیابان سحر ۲۴ تا سحر ۳۶ یک طرفه شد تا گره ترافیکی این محدوده باز شود. اما از آن زمان تا کنون، به خاطر بی توجهی اهالی به این موضوع، نه تنها گرهی از ترافیک معبر باز نشده، بلکه به گفته اهالی، مشکلاتشان بیشتر شده است.

● خلاف آمدن خودروها و ترافیک

جواد راستی خواه منزلش در سحر ۱۷ است. او که هر روز برای رسیدن به محل کارش، از این خیابان عبور می‌کند می‌گوید: از زمانی که خیابان یک طرفه شده است، برخی از رانندگان که از سمت خیابان شهید قاسمی قصد ورود به خیابان سحر ۳۶ را دارند، برای رسیدن به مقصد خلاف حرکت می‌کنند.

راستی خواه ادامه می‌دهد: این حرکت خلاف مسیر به ویژه در زمان‌های شلوغی خیابان سر ظهر و عصرها که جمعیت بیشتری برای خرید به این خیابان می‌آیند، سبب ترافیک می‌شود. او می‌گوید: به نظرم اگر مسئولان می‌خواهند تغییری در خیابان‌های یک محله صورت دهند، بهتر است از افراد محلی هم نظرخواهی کنند؛ زیرا این اهالی هستند که هر روز با مشکلات محله دست و پنجه نرم می‌کنند.

ریحانه صادق زاده که برای خرید به این خیابان آمده است، درباره این مشکل می‌گوید: برخی از شهروندان تصور می‌کنند حالا که خیابان یک طرفه شده است، می‌توانند دوبل پارک کنند. از سوی دیگر برخی هم می‌گویند تا بلو و ورود ممنوع، راننده ایم و خلاف می‌آیند. در این حالت، تنها جای عبور یک خودرو باقی می‌ماند و این شرایط به ترافیک بیشتر منجر می‌شود. به نظر می‌آید باید خیابان را به همان شکل گذشته‌اش که دو طرفه بود برگردانند؛ زیرا در گذشته کمتر شاهد ترافیک بودیم.

● لزوم نظارت دقیق تر برای اعمال قانون

رئیس شورای اجتماعی محله انقلاب با بیان اینکه یک طرفه کردن این خیابان از مصوبات شورای اجتماعی محله نبوده است و خود شهروندان به دلیل ترافیک زیاد، خواهان یک طرفه شدنش بودند، توضیح می‌دهد: برخی از اهالی که خانه‌شان در این راسته خیابان است و از ترافیک گلایه داشتند، خواهان یک طرفه شدنش بودند و این موضوع را پیگیری کردند.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی روحانی ادامه می‌دهد: پلیس راهنمایی و رانندگی حدود یک ماه برای نظارت در این محل مستقر بود، اما بعد از رفتن پلیس، حرکت خودروها در خلاف مسیر سبب ترافیک شد. از نیروی انتظامی درخواست کردیم دوباره پلیس در این خیابان استقرار یابد. اما بنا به دلایلی قبول نکردند.

اوبیان می‌کند: از مسئولان می‌خواهیم که در این معبر دور بین ترافیک نصب کنند و بارانندگان متخلف برخورد شود.

● دو طرفه شدن دوباره خیابان ممکن نیست

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک منطقه ۷ درباره این مشکل توضیح می‌دهد: یک طرفه شدن سحر ۲۴ تا سحر ۳۶ بنا به درخواست شهروندان که به ۱۳۷ اعلام کرده‌اند، صورت گرفته است.

جواد عباسی می‌گوید: سازمان ترافیک برای اجرای طرح، مشاوران ترافیکی دارد و قبل از اجرا، مشاوران وضعیت موجود را بررسی می‌کنند و بهترین راهکار را پیشنهاد می‌دهند. همچنین برای اجرای طرح هزینه‌های بسیاری به منظور تابلو گذاشتن و نصب علائم ترافیکی می‌شود. اوبیان می‌کند: همه جوانب برای یک طرفه شدن خیابان بررسی شده است و اکنون دو طرفه شدن آن، ممکن نیست. از سویی برای نصب دور بین ترافیکی اولویت‌هایی وجود دارد و برای هر معبری نمی‌توان آن را نصب کرد.

عباسی ادامه می‌دهد: رفع این مشکل در گرو رعایت قوانین از سوی شهروندان است و مردم باید خودشان مجری قانون باشند.

در دیدار نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی
باروسای شوراها و اجتماعی محلات منطقه ۸ مطرح شد

نیاز مشکلات محلی به راهکار ملی



صفائی در دیدار نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی با شهردار منطقه ۸ و رؤسای شوراها و اجتماعی محلات این منطقه، درباره مشکلات مختلف محلات از جمله نبود پارکینگ در بسیاری از معابر از جمله سرشور و جنت، حضور دلار فروشان در خیابان ارگ و بلا تکلیفی اراضی پادگان صحبت شد.

● نباید از مشکلات غافل شویم

نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی، شورای اجتماعی محلات را حلقه واسطه مردم، مجلس و شهرداری خواند و گفت: برخی معتقدند ورود نماینده مجلس به مسائل محلی و شهری در مقیاس کوچک، کار صحیحی نیست و نگاه دیگر، نقطه مقابل این رویکرد است و عقیده من این است که هر دور و یک دور مهم است و نباید از آن‌ها غفلت کنیم.

میثم ظهوریان افزود: در اغلب مشکلات شهری که مطرح می‌شود، برای رفع مشکل به قانون گذاری جدید نیاز نیست و تنها همراهی سازمان‌ها و نهادهای کشوری نیاز است که نمایندگان وظیفه ایجاد این ارتباط را دارند.

شهردار منطقه ۸، مشکل اساسی منطقه را آزاد نشدن کامل اراضی پادگان، کمبودهای زیربنایی محله آبشار و نبود برنامه ریزی صحیح در تدوین طرح تفصیلی ابلاغ شده به شهرداری منطقه ۸ اعلام کرد.

کاظم یزدان مهر گفت: از ابتدای سال ۱۴۰۰ شورای عالی معماری و شهرسازی کشور درباره موضوع اراضی پادگان، سهم خدماتی را که مربوط به شهرداری است، مصوب و سهم انتقال آستان قدس و ارتش را هم مشخص کرده است، اما تا به امروز فقط سی درصد از لکه‌های خدماتی این اراضی به شهرداری تحویل شده است.

● مشکلات متعدد محلات

در این نشست علیرضا زنده دل، رئیس شورای اجتماعی محله امام خمینی^(ع)، با اشاره به کمبود فضای سبز، فرهنگ سرا، مراکز درمانی و... در این محله، خواستار تسریع در واگذاری اراضی پادگان به منظور رفاه حال مردم شد. وی از مشکلات دفتر باربری خارج از فضای پایانه مسافری امام رضا^(ع) نیز گلایه کرد و تقاضای رسیدگی به این موضوع را داشت.

رئیس شورای اجتماعی محله سرشور با اشاره به حضور زائران و مجاوران در بازار سرشور و شلوغی آن در ایام مناسبتی، از ترافیک این معبر و مشکلاتش گفت. کاظم عرفانیان با اشاره به طرح تفصیلی و تثبیت وضعیت موجود بازار، از سازمان میراث فرهنگی خواست نگاهی ملی به این بازار و رفع مشکلاتش داشته باشد تا شرایط مناسبی برای زائران و مجاوران امام مهربانی‌ها فراهم شود.

حمیدرضا مژده، رئیس شورای اجتماعی محله آبشار، با اشاره به نبود حداقل امکانات از قبیل مدرسه، مسجد، نانوا و... در این محله توضیح داد: با وجود پیگیری‌های مکرر از طریق سازمان‌های مختلف و حتی فرمانداری مشهد هنوز هم گرهی از مشکلات آبشار باز نشده است. مهدی حیدری، رئیس شورای اجتماعی محله جنت، ضمن گلایه از حضور دلار فروشان و مشکلاتشان در خیابان ارگ، تقاضای سامان دهی این وضعیت را داشت. همچنین او از نبود پارکینگ در محله جنت گفت و توضیح داد که برخی زمین‌های رها شده متعلق به ارگان‌های دولتی در محله وجود دارد که می‌توان به عنوان پارکینگ از آن‌ها استفاده کرد.

محمد صفار، رئیس شورای اجتماعی محله امام رضا^(ع)، در این نشست، کمبود فضای بازی کودکان و کمبود فضاهای ورزشی را دغدغه اهالی محله امام رضا^(ع) عنوان کرد و تقاضای استفاده از فضاهای ورزشی دیگر سازمان‌ها را داشت.

شهرام تدین، رئیس شورای اجتماعی محله شهید بهشتی، ضمن گلایه از تجمع اتباع خارجی و ایجاد ناامنی در این منطقه، خواستار رسیدگی به این موضوع شد.

منطقه

حدود پنجاه هکتار از فضای سبز این بوستان تأمین می شود.

وی همچنین یاد آور شد: در این پروژه حدود ۱۰ هزار متر طول کانال حفر می شود.

یزدان مهر با بیان اهداف اجرایی این پروژه تصریح کرد: در راستای کاهش هزینه های آبیاری و حذف روش های قدیمی استفاده از تانکرهای حمل آب غیر شرب که موجب هدر رفت منابع آبی می شد، با به کارگیری از روش مکانیزه آبیاری، ضمن پیشگیری از تحمیل هزینه های گزاف نگهداری از فضای سبز، تا حد چشمگیری در مصرف آب نیز صرفه جویی خواهد شد. /

به منظور برخورد قاطع با ساخت و سازهای غیر مجاز و بدون پروانه ساختمانی و همچنین بر اساس دستورالعمل بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها با اخذ دستور مقام قضایی، دو مورد تخریب پی و شفته غیر مجاز در این منطقه اجرایی شد.

وی متراژ دو ملک تخریب شده را ۲۴۰ متر مربع اعلام کرد که پس از چند مرحله صدور اخطار برای شهروند متخلف و اقدامات متعدد اقناعی، بارعایت موازین ایمنی و قانونی اقدام شد. /

احداث مخزن

هزار متر مکعبی برای آبیاری

شهردار منطقه ۸ از شروع عملیات احداث مخزن هزار متر مکعبی آبیاری در بوستان جهان شهر با هدف مدیریت آبیاری خبر داد.

کاظم یزدان مهر با بیان اینکه مدیریت در مصرف آب و کاهش هزینه های نگهداری فضای سبز از مهم ترین علل اجرای این پروژه بوده است، گفت: عملیات خاک برداری مخزن هزار متر مکعبی آبیاری فضای سبز در ضلع جنوبی خیابان فیاض بخش آغاز شده است. با اجرای این پروژه آب مورد نیاز

رفع ۲ تخلف ساختمانی

رئیس اداره نظارت بر ساخت و سازهای منطقه ۸ از اجرای رأی دو تخلف ساختمانی در روستای سرهنگ و اراضی چشمه پونه خبر داد.

مصطفی رحمتی با بیان اینکه ساخت و سازهای غیراستاندارد، علاوه بر رعایت نشدن ضوابط فنی و شهرسازی، تهدید جانی خانواده ها را در پی دارد، گفت:

پیاپی ۸۰۰ نفر از ساکنین این محله در حادثه تروریستی در پارک شهید دهقانی و بوستان گل نرگس، تهیه و تعویض دریچه های نانو کامپوزیت معابر محله، مرمت و تجهیز پیاده روها و نصب تابلوهای راهنما در معابر محله سرشور، احداث آبخوری دوسطحی طرح جدید و بهسازی سرویس بهداشتی بوستان رضوی، مرمت و لکه گیری آسفالت سطح محله اشاره کرد.

سازمان دهی میدان بیمارستان امام رضا (ع)، تهیه و نصب نیمکت المانی برای کتابخانه شریعتی و مدرس، مرمت و بازپیرایی جداره و

دومحله خبر داد و گفت: دوازده پروژه بازآفرینی و زودبازده مربوط به محله سرشور و ۹ پروژه مربوط به محله جنت است.

کاظم یزدان مهر با بیان اینکه پروژه های زودبازده علاوه بر افزایش میزان مشارکت شهروندان موجب رضایت آنان می شود، توضیح داد: این طرح ها با مشارکت مردم و اعضای شورای اجتماعی محله پیشنهاد و بررسی می شود. پس از آن به شورای شهر ارسال می شود که در صورت تأیید، بر اساس اولویت ها اجرا خواهد شد. وی ادامه داد: از مهم ترین عناوین طرح های محله سرشور می توان به

صفائی اطبق مصوبه ششمین دوره شورای اسلامی شهر مشهد به منظور افزایش سرعت خدمات دهی به حاشیه شهر و ایجاد توازن بین محلات کم برخوردار با سایر نقاط شهری، پروژه های زودبازده در این محلات اجرایی می شود. هویت دار بودن دو محله سرشور و جنت سبب شده است از محل اعتبار پروژه های زودبازده امسال، به این دو محله قدیمی نیز اعتباری اختصاص یابد. به تازگی طرح های پیشنهادی سومین دوره پروژه های زودبازده از سوی شهرداری منطقه ۸ به شورای شهر اعلام شده است. شهردار منطقه ۸ از ارائه ۲۱ طرح در این

شهردار منطقه ۸ از اجرای پروژه های زودبازده امسال در این منطقه خبر داد

۲ محله، سهم ما



منطقه



مسئولان فکری به حال خانه هایمان کنند تا زودتر بتوانیم سرو سامان بگیریم.

• خدمات مشاوره برای آسیب دیدگان

علی نیرومند که با اسم و فامیل مستعار خودش را معرفی می کند، می گوید: نزدیک به یک ماه از وقوع سیل گذشته است. اما هنوز نتوانسته ایم خانه مان را مانند روز اول سرو سامان بدهیم. حتی لباسی برای پوشیدن نداریم. کار گرم و این همه هزینه از عهده ام خارج است. از شرکتی که برای این امر خدا پسندانه اقدام کرده است، تشکر می کنم. مدیر خانه احسان محله سیدی و خلج با اشاره به اینکه هر یخچال فریزر به ارزش ۲۸ میلیون تومان در اختیار خانوارهای آسیب دیده قرار می گیرد، می گوید: با اولویت بندی هایی که انجام دادیم، ۱۰ خانوار را برای گرفتن یخچال فریزر انتخاب کردیم. این گروه از هیچ نهاد یا ارگانی خدمت دریافت نکرده اند. سعید شیرنگ ادامه می دهد: دوازده خانوار را هم برای گرفتن وسایلی در حد نو مانند کمدها و میز تلویزیون به مؤسسه گلستان علی (ع) معرفی کرده ایم. مدیر خانه احسان با اشاره به اینکه خدمت به سیل زدگان ادامه دارد، می افزاید: علاوه بر این برای افرادی که از سیل آسیب روحی دیده اند، مشاوره دعوت کردیم و در مجموع به ۱۰ خانوار مشاوره ارائه شده است.

سمیرا امشادی اسیلی که در آخرین روزهای اردیبهشت در کوچه های سپاه محله بهارستان جاری شد، بسیاری از خانواده های این محله را از امکانات اولیه زندگی محروم کرد. همه دارایی شان را گرفت و با خود برد. اما ارگان ها و نهاد های مختلف پای کار آمدند تا بخشی از خسارت خانوارهای آسیب دیده را جبران کنند. از جمله این گروه های می توان به «خانه احسان» (قرارگاه تحول و توانمندسازی محلات ۲۰۲۰) اشاره کرد که از همان لحظه های اول وقوع حادثه، برای پاک سازی خانه ها از سیل و توزیع غذای گرم به یاری اهالی سیل زده سپاه ۶۹ شتافت. در هفته ای که گذشت، در ادامه خدمت رسانی به مردم سیل زده، خانه احسان محله سیدی و خلج اقدام به توزیع ۱۰ دستگاه یخچال فریزر بین سیل زدگان کرد. بیت الرقیه (ب) مکانی است که ۱۰ خانوار خسارت دیده در سیل اخیر را گرد هم جمع کرده است. هر کدام از خانواده ها در گوشه ای نشسته اند و منتظرند تا کالایشان را تحویل بگیرند. زهرا خانم که یکی از همان هاست، اوو همسرش بقایای سیل را از خانه شان پاک کرده اند اما آثار رطوبت سبب شده است نتوانند از خانه شان استفاده کنند. اومی گوید: لوازم برقی بسیار گران است و ما توان خریدشان را نداریم. خانه احسان با تحقیقاتی که انجام داد، قرار شد برایمان یخچال تهیه کند. این اقلام را در خانه می گذاریم، اما خانه مان قابل سکونت نیست. ای کاش

مدیر «خانه احسان» از توزیع ۱۰ دستگاه یخچال فریزر بین سیل زدگان سپاه ۶۹ خبر داد

خدمت ادامه دارد



منطقه





چطور پای حسن محبوب فرد

فوتبالیست شناخته شده دهه ۶۰ مشهد، به سازمان تاکسی رانی باز شد؟

وسوسه پژو قسطی



نجمه موسوی زاده نام حسن محبوب فرد، بازیکن درخشان دهه ۶۰، آن قدر برای فوتبال دوستان آشنا بود که آن زمان، پیشنهادهای ورزشی و کاری مختلفی به او می شد. از یک طرف پیشنهاد بازی در تیم فوتبال پاس تهران در مقابلش قرار داشت و از طرف دیگر، پیشنهادهای کاری از بانک و کارخانجات مختلف به او شده بود. مردمانده بود که چه تصمیمی باید بگیرد، تا اینکه مدیرعامل سازمان تاکسی رانی پیشنهادی وسوسه انگیز به او داد؛ اینکه در ازای بازی در تیم فوتبال تاکسی رانی، می تواند صاحب یک خودرو پژو به صورت اقساطی شود و در خط فرودگاه نیز کار کند. حسن آقا با مشورت با مادر بالاخره تصمیمش را گرفت و این گونه شد که این ساکن محله امام خمینی (ره)، اکنون در شصت و دو سالگی، سابقه بیست سال بازی حرفه ای و ۲۴ سال مسئولیت تربیت بدنی سازمان تاکسی رانی شهرداری مشهد را دارد.

پیشنهاد وسوسه انگیز تاکسی رانی



دیپلمش را گرفت. زمان رفتن به خدمت سر بازی فرا رسیده بود. وسوسه بازی فوتبال سبب شد دوسالی دیرتر به خدمت برود. نمی توانستم از فوتبال دل بکنم. بالاخره خودم را معرفی کردم و محل خدمتم اصفهان شد. «با خنده می گوید: آنجا هم فوتبال با من بود و عضو تیم سرباز اصفهان شدم. از خدمت سر بازی که برگشت، عضو تیم فوتبال جوانان ابو مسلم شد. هم تیمی هایش سعید صیامی و مرحوم محمد اعظم بودند. طعم شیرین بازی فوتبال برایش بسیار لذت بخش بود، اما دیگر نمی توانست تمام فکر و ذهنش را برای فوتبال بگذارد. همان طور که گفتیم آن موقع نمی شد فقط از طریق بازی فوتبال، امرار معاش کرد. باید برای خودم کاری دست و پامی کردم.»

اواخر دهه ۶۰ چند کارخانه، بانک های استان و... دنبال تشکیل تیم فوتبال بودند و می خواستند فردی فوتبالی را استخدام کنند که هم در کارخانه یا بانک کار کند و هم در تیمشان حضور داشته باشد. حسن آقا اسم و رسم خوبی در بین آن هایی که به فوتبال علاقه داشتند، پیدا کرده بود. او اولین پیشنهاد خود را از یک بانک دریافت می کند؛ «تیم پاس تهران از من دعوت کرده بود. به پیشنهاد آن ها فکر می کردم که از دو کارخانه و یک بانک هم دعوت به کار شدم. همان طور که داشتیم برای خودم سبک و سنگین می کردم که چه کنم. آقای مرتضایی، مدیر تاکسی رانی مشهد، دعوت کرد تا او را ببینم. پیشنهاد مرتضایی برای حسن آقا به شدت وسوسه انگیز بود؛ «گفت اگر عضو تیم تاکسی رانی شوی، یک دستگاه پژو ۴۰۵ صفر کیلومتر به صورت اقساط به تومی دهم تا در تاکسی فرودگاه کار کنی. آن موقع کمتر کسی پژو داشت. از طرفی اگر می خواستم پیشنهاد پاس را قبول کنم، باید به تهران می رفتم و مادرم را راضی نبودم که به شهر دیگری بروم.»

او قبول کرد که عضو تیم فوتبال تاکسی رانی شود و در خط فرودگاه نیز کار کند.

به عشق فوتبال



دیدن توپ چهل تکه سفید و مشکی فوتبال در رنگ های ورزش نمی توانست جلوشوق و علاقه خودش را بگیرد و سریع پایه توپ می شد. مربی که علاقه او را دید، در چند جلسه کلاس ورزش، او را زیر نظر گرفت و بازی اش را تحلیل کرد. «تا آن زمان نمی دانستم بازی فوتبالی که بدون مربی انجام داده ام، یک نوع استعداد است. خلاصه بگویم مربی صدایم کرد و نشانی باشگاهی را به من داد تا فوتبال را به صورت حرفه ای یاد بگیرم.»

او عضو تیم فوتبال مدرسه شان می شود که از هر پایه تحصیلی چند نفری در آن بودند و در دوران دبیرستان علاوه بر تیم مدرسه، در باشگاه شاهین ضد هم بازی می کند؛ «چند سالی بود که قواعد بازی را یاد گرفته بودم و به دلیل توانایی ای که مربی در من دیده بود، در پست هافبک چپ بازی می کردم.»

با یادآوری خاطرات، طعم شیرین آن دوران را مزه مزه می کند و می گوید: شادروان قدریان سرپرست تیم بود. قبل از مسابقه به بچه های تیم می گفت هر کس امروز گل بزند، یک جایزه پیش من دارد. آن زمان برای پول بازی نمی کردیم. اصلا فوتبال مانند الان نبود. همه ما با وجودی که سن و سالی نداشتیم، فقط از بازی لذت می بردیم. وقتی مسابقه تمام می شد، مرحوم قدریان به آن هایی که گل زده بودند، یک جفت کش ورزشی جایزه می داد.

هنوز آفتاب وسط آسمان بود که توپش را زیر بغلش می زد تا با بچه های کوچه فوتبال بازی کند. گرم بازی که می شد، گذر زمان را احساس نمی کرد. پاهایش که از رمق می افتادند، تازه می فهمید که چند ساعت در کوچه دنبال توپ دویده است. علاقه اش به بازی فوتبال از کوچه ای در نزدیکی میدان ضد (۱۵ خرداد) که خانه پدری اش بود شروع شد؛ «چهار تاسنگ به عنوان دروازه و یک توپ پلاستیکی، کافی بود تا ساعت ها خودمان را سرگرم کنیم. شاید قوانین بازی را به درستی نمی دانستیم اما عشق به فوتبال همه بعد از ظهر هایمان را پر می کرد.»

در همان دوران کودکی برای خودشان تیم بندی داشتند و تصمیم می گرفتند بچه های این کوچه با چند کوچه آن طرف تر مسابقه دهند. آن زمان هنوز ترمینال ساخته نشده بود و زمین خاکی بود. در عالم بچگی، مسابقه بر ایمان خیلی مهم بود؛ به همین دلیل قرار بازی مان را در همین زمین خاکی ضد می گذاشتیم.»

با ورود به دوران نوجوانی، این ورزش برایش رنگ و روی دیگری گرفت؛ «وارد دوران راهنمایی که شدم، کلاس های ورزش برایم جذاب تر شد. باید رشته ای را انتخاب می کردم و برای من، فوتبال حرف اول را می زد.» حسن آقا با



بازی در مقابل ابومسلم



بازی‌های درخشان او و هم تیمی‌هایش سبب شده سه سال به مسابقات جام حذفی راه پیدا کنند. با وجود تیم‌های قدری مانند ابومسلم و پیام مشهد، این تیم تا کسی رانی بود که به جام حذفی می‌رفت. در این جام سال اول در مقابل تیم پرسپولیس بازی کردیم. آن زمان ستاره فوتبال این تیم علی پروین بود که توپ را از هر جامی کاشت، می‌توانست گل بزند. طی دو سال بعد نیز به ترتیب در مقابل پاس تهران و ملوان انزلی بازی کردند و با اینکه هر سه بازی را مغلوب شدند، باز هم بازی در مقابل بهترین بازیکنان آن دوران را از بهترین خاطرات خود می‌دانند. به یاد دارم روزی که تیم ابومسلم را در مشهد شکست دادیم تا به عنوان پیروز میدان به مسابقات جام حذفی برویم. هواداران تیم ابومسلم می‌خواستند وارد زمین شوند و ما را مفصل کتک بزنند! او با افتخار می‌گوید: در مسابقات فوتبال جام کارگری استان اول شدیم و هیچ‌گاه در این مسابقات از رتبه سوم پایین نرینامدیم.

ماجرای کودک جامانده در ماشین



فوتبال و کار برای حسن آقا هم سو بود. اواز هنگامی که وارد تاکسی رانی شده بود، سه سال در خط فرودگاه و چهار سال هم در ترمینال مشغول به کار بود. سپس به عنوان مسئول اشیای گمشده، کارش را ادامه داد. او هنگامی که تاکسی ران بوده، به دلیل شغلش با افراد مختلفی برخورد داشته است. همه از مصائب و مشکلات یک راننده که باید در سرما و گرما، در ترافیک و شلوغی، پشت فرمان بنشیند، خبر دارند اما کار در بخش اشیای گمشده، کاری متفاوت و ماجراهایش بیشتر از زمان رانندگی روی تاکسی بود. حسن آقا خاطرات جالبی از دوران فعالیتش در بخش اشیای گمشده تعریف می‌کند: «روزی پشت میز نشسته بودم و با تلفن حرف می‌زدم که یکی از راننده‌ها وارد اتاق شد. کیف دستی را در اتاق گذاشت و گفت عجله دار و رفت. از داخل کیف صدایی می‌آمد. تلفن را قطع کردم و سراغ کیف آمدم. دیدم یک نوزاد داخل آن است! با اینکه چندبار چنین موضوعی را از اطرافیانم شنیده بودم، با دیدن بچه تعجب کردم.» او با راننده تماس می‌گیرد و از طرفی به کلانتری زنگ می‌زند.

پیشنهاد ساخت مجموعه ورزشی



بیست سال بازی حرفه‌ای و علاقه‌اش به فوتبال سبب شده به عنوان مسئول تربیت بدنی سازمان تاکسی رانی کارش را ادامه دهد. او هم زمان در کلاس‌های مربیگری هم شرکت می‌کند و با اخذ مدرک، مربی می‌شود. به مدت ۱۰ سال مربی و سپس مدیر مدرسه فوتبال شهرداری بودم و به بچه‌های شش تا شانزده ساله در دره‌های نونهالان و نوجوانان در پارک ملت آموزش می‌دادم. حسن آقا که از سابقه بسیاری از تاکسی ران‌ها و علاقه آن‌ها به ورزش باخبر بود، پیشنهاد ساخت مجموعه ورزشی برای کارمندان تاکسی رانی را داد. با همراهی معاونت تربیت بدنی شهرداری، شورای شهر و سازمان فرهنگی، پنج سال پیش، مجموعه

ورزشی شهدای تاکسی رانی شهرداری مشهد در بولوار توس احداث شد. روزهای زوج این مجموعه در اختیار تاکسی رانان و سایر روزها در اختیار سازمان فرهنگی شهرداری است. حسن آقا مدیر این مجموعه در روزهای زوج است. فضایی فراهم شده است تا تاکسی رانان در رشته‌های والیبال، فوتسال، کشتی، آمادگی جسمانی، باستانی و... ورزش کنند. البته این مجموعه صبح‌ها به بانوان اختصاص دارد. حسن آقا اشاره می‌کند که سال گذشته مسابقات فوتبال تیم‌های تاکسی رانی کلان شهرهای کشور در همین مجموعه ورزشی شهدای تاکسی رانی برگزار

شده است. «روزی مدیر عامل اتحادیه تاکسی رانی شهری کشور از تاکسی رانی مشهد بازدید کرد. هنگامی که به اتاق من رسید، خودم را معرفی کردم و پیشنهاد برگزاری این مسابقات را دادم. روز بعد، نامه‌ای دریافت کردم که از من پرسیده شده بود می‌توانم خودم مدیر اجرایی این مسابقات باشم. با قبول این مسئولیت، مسابقات را با حضور شانزده تیم از کلان شهرهای کشور به میزبانی مشهد برگزار کردیم. علاقه‌اش به فوتبال سبب شده است هنوز هم در زمین بازی حضور داشته باشد. او سرپرست و عضو تیم پیشکسوتان تاکسی رانی است و با همکاران بازیکنان و دوستان قدیمی‌اش همچنان پا به توپ می‌شوند.



تشکیل تیم فوتبال بازنشستگان

اخلاق خوش حسن آقا در سازمان تاکسی رانی زبانزد همه است. حسن یوسف زاده، از تاکسی رانان بازنشسته، سال‌ها در زمین چمن هم تیمی حسن آقا بوده است. او توضیح می‌دهد: بیشتر مشاهدی‌های عاشق فوتبال، او را می‌شناسند. ما از دوران نوجوانی یکدیگر را می‌شناخیم و در همه این سال‌ها او را همان لبخند و روی خوشی که دارد، می‌شناسم. یوسف زاده که اکنون مربی تیم فوتبال پیشکسوتان تاکسی رانی است، می‌گوید: سابقه ورزشی حسن آقا سبب شده است بدانند باید برای ترغیب بچه‌ها، جوانان یا حتی پیشکسوتان تاکسی ران چه برنامه‌هایی برگزار کند. به عنوان مثال او تیم فوتبال پیشکسوتان را تشکیل داده است تا بازنشسته‌های این گروه فراموش نشوند.



تلاش برای رفاه تاکسی ران‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های حسن آقا به گفته همکارانش، گره گشای بودن او است. قاسم رحیمی، دیگر مربی تیم پیشکسوتان تاکسی رانی، با اشاره به اینکه حدود سی سال است حسن آقا را می‌شناسد، می‌گوید: آدم بسیار دقیق و منظمی است که هوای نیروهای خود را دارد. به یاد دارم هنگام شیوع بیماری کرونا چطور دلسوزانه رانان را راهنمایی می‌کرد. به یاد دارم تاکسی ران‌ها نمونه و مطالبه‌گر ماسک و الکل بین تاکسی ران‌ها نبودند و قاسم رحیمی ادامه می‌دهد: حسن آقا مردی نمونه و مطالبه‌گر است. او برای رفاه تاکسی ران‌ها خیلی تلاش می‌کند و اگر بخواهم او را در چند کلمه توصیف کنم، باید بگویم انسانی شریف و خوش قلب است که حتی یک بار در این سی سال، از او کج خلقی ندیده‌ام.



داد می‌زدیم و کمک می‌خواستیم

خانواده احمدی هفت سالی هست که در این کوچه ساکن شده‌اند. این خانواده چهار فرزند دارند. سیده ملیحه سیزده ساله، سیده معصومه نه ساله، سید محمد طاهه ده ساله و سید محمد کسری شش ساله هستند. روز حادثه را سیده ملیحه به یاد دارد. او می‌گوید: آن روز مادرم برای دفن دختر خاله سه ساله‌ام به اتفاق سایر اعضای خانواده به بهشت رضا^(ع) رفته بودند. مادرم گفت مراقب بچه‌ها باشم. صدای باران و تگرگ را می‌شنیدیم. بچه‌ها هم مشغول بازی بودند. از کنار پنجره‌ها و در ورودی آب به داخل خانه می‌آمد و هر لحظه شدتش بیشتر می‌شد. فرش‌ها را آب گرفت. آب که بالاتر می‌آید، آن‌ها از روی میل به روی این می‌روند. ملیحه روی کابینت می‌رود. شیشه‌های در ورودی را سیل می‌شکند و تگرگ و آب باران، وحشیانه خود را به هر سمتی می‌کوبیده است. بچه‌ها لحظه‌هایی را به یاد می‌آورند که وسایل خانه‌شان زیر آب و تگرگ رفته است.

سید محمد کسری بالحن شیرین بیگانه‌اش می‌گوید که کمد لباس هایش زیر آب هارفته و جوراب‌ها و لباس هایش گلی شده. سیده معصومه هم می‌گوید: با هم داد می‌زدیم و کمک می‌خواستیم. صدای سیل آن قدر زیاد بود که احساس می‌کردیم کسی صدایمان را نمی‌شنود. با خودم می‌گفتم نکنند که آهن‌های خانه‌مان تحمل این همه آب را نداشته باشد. نکند خانه روی سرمان خراب شود و دیوارهایش کنند.

سیده ملیحه می‌گوید: دیگر ناامید شده بودیم از اینکه کسی صدایمان را بشنود. در همین لحظه صدای شکسته شدن نورگیر را شنیدم. آقای همسایه نردبان گذاشت و ما را از نورگیر بیرون کشید. بعد ما را در خانه‌شان نگهداشتند تا مادرمان به خانه برگشت.

مادر بچه‌ها فاطمه‌ذاکری است. او آن روز را این طور تعریف می‌کند: دختر خواهرم فوت کرده بود و برای تدفین رفته بودیم. هنگامی که سیده ملیحه تماس گرفت، مادر ترافیک وسیل گرفتار شده بودیم. به هیچ عنوان تصور نمی‌کردم که وضعیت کوچه‌مان این طور شده باشد. هنگامی که رسیدم به سر کوچه و دیدم چه اتفاقی افتاده است، حالم بد شد.

خودش هم نمی‌داند چطور خودش را میان آن گل ولای از سر کوچه تا خانه همسایه، رسانده است؛ فقط زمین خوردن و هاو بلند شدن هایش به ذهنش مانده است اما اینکه چند بار زمین خورده را به خاطر نمی‌آورد. بعد ها متوجه می‌شود که دست‌ها و پاهاش و صورتش کبود شده است. اما در آن لحظات فقط بچه‌هاش پیش چشمش بودند، نه هیچ چیز دیگر. فاطمه خانم حالا که آن لحظه‌های اضطراب آور را سپری کرده است می‌گوید: هر وقت یاد آن روز می‌افتم برای همسایه‌مان خیلی دعامی کنم که جان بچه‌ها را نجات داد.

مادر که بچه‌ها را در آغوش می‌گیرد و خاطرش از فرزندانش جمع می‌شود. خودش را برای رفتن به مدرسه محمد طاهه آماده می‌کند. فاطمه خانم می‌گوید: آب فروکش کرده بود، اما تا ساق پایم در گل و آب بود. به مدرسه پسر رفتیم. آنجا هم وضعیت بدی بود و خانواده‌های نگران، میان آب، فرزندانشان را از مدرسه خارج می‌کردند. محمد طاهه در آن لحظه‌هایی که مدرسه را سیل گرفته بود، تنها به خواهرها و برادرهایش فکر می‌کرده است و حتی قصد داشته به خانه برگردد. اما اولیای مدرسه اجازه خارج شدن از مدرسه را به او ندادند. او می‌گوید: نگران‌شان بودم که در این سیل چه اتفاقی برایشان افتاده است. هنگامی که مادرم گفت همگی سالم هستند، از خوشحالی گریه‌ام گرفت. اونقاشی و طراحی می‌کند و حالا وسایلش را در سیل از دست داده است و به این دلیل بسیار غمگین است. همه قاب‌ها، کاغذها و وسایل طراحی اش را سیل برده. محمد طاهه منتظر وعده مسئولان است تا دوباره قلم‌موی طراحی به دست بگیرد و طراحی را شروع کند.



روایت حسن گل‌مکانی از کودکانی که در خانه سیل‌زده گیر افتاده بودند

همسایه ناجی

سمیرا منشادی در میان پیشامد ناگوار سیل و آسیب‌هایی که به کوچه سپاه ۶۹ زد، اتفاق‌های زیبایی از جنس همدلی و همکاری در بین همسایه‌ها نیز رقم خورد. یکی از این اتفاق‌های خوب، نجات سه کودک توسط همسایه‌شان بود. حسن جوادی گل‌مکانی به اتفاق همسرش خدیجه گل‌مکانی در آن لحظه‌های ترس و هراس، صدای کمک خواستن کودکان همسایه را که در سیل گرفتار شده بودند، شنیدند و با نردبان، آن‌ها را از خانه سیل‌زده خارج کردند.



ناجی بچه‌ها در سیل

در کوچه غوغایی به پا بوده است. او که وضعیت را این طور می‌بیند، از لبه پشت بام به سمت خانه‌شان برمی‌گردد. در یک لحظه، صدایی می‌شنود. کودکان همسایه کمک می‌خواستند. حسن آقا برای اینکه مطمئن شود صدا را درست شنیده است، به سمت نورگیر خانه همسایه می‌رود. واضح شدن صداها به او اطمینان می‌دهد که جهت را درست تشخیص داده است. برای اینکه بچه‌ها را نجات بدهد، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و شیشه‌نورگیر را می‌شکند.

گل‌مکانی آن لحظه‌ای را که کودکان را دیده است، این گونه توصیف می‌کند: سرم را داخل نورگیر بردم. دیدم دو تا از بچه‌ها (یک دختر و یک پسر) روی این آشپزخانه و دختر دیگر هم روی کابینت ایستاده‌اند. حفاظ‌های نازک مانع از خارج کردن بچه‌ها بود. بچه‌ها بی‌امان صدای می‌کردند. ترسیده بودند و کمک می‌خواستند. پسر بچه که سن کمتری دارد، تا کمر در آب و تگرگ بود و از سرمای لرزید. دودختر دیگر هم وضعیت بهتری نداشتند.

شرایط را که می‌بیند، لحظه‌ای تردید نمی‌کند و برای اینکه حفاظ‌ها را بردارد، از میله‌ای آهنی استفاده می‌کند. نردبان حدود دویست و متری خانه‌شان را از نورگیر به داخل می‌گذارد. ابتدا پسر کوچک همسایه را بیرون می‌کشد. بعد هم دودختر دیگر را. حالا شدت باران کمتر شده و سیل فروکش کرده بود. او به اتفاق پسرش برای خبر گرفتن از ماشین‌شان به کوچه می‌روند.

خدیجه خانم صحبت‌های همسرش را این گونه ادامه می‌دهد: همسرم که بچه‌ها را از نورگیر بیرون آورد، آن‌ها را به داخل خانه بردم. از ترس و سرمای آب لب‌هایشان کبود شده بود و می‌لرزیدند. لباس‌هایشان را عوض کردم. به دختر بزرگ‌تر همسایه گفتم که با مادرش تماس بگیرد. مطمئن بودم اگر بیاید و وضعیت کوچه را ببیند، وحشت می‌کند. همین طور هم شد. مادرشان هنگامی که رسیده بود، تصور نمی‌کرد که فرزندانش از سیل نجات پیدا کرده باشند.

از ماشینم خبری نبود

گل‌مکانی سیزده سالی می‌شود که در کوچه سپاه ۶۹ ساکن شده است. خانه‌اش در یک کوچه بن‌بست قرار دارد. وقتی ماجرای آن روز تلخ را روایت می‌کند، سرمای تگرگ و یخ را در بدنش احساس می‌کند؛ سرمای استخوان‌سوزی که حتی ایستادن برای چند ثانیه زیر بارش تگرگ را دشوار می‌کرد.

با آغاز بارش، گل‌مکانی به اتفاق همسرش روی ایوان خانه‌شان می‌روند تا وضعیت تگرگ را در کوچه ببینند. او می‌گوید: اول از بارش باران خوشحال شدیم، اما از لحظه‌ای که تگرگ‌های بزرگ شروع به بارش کرد، نگران شدیم. ماشینم در کوچه بود. برای دیدن و خبر گرفتن از ماشین به ایوان آمدم. در یک لحظه دیدم که سیل در کوچه راه افتاده و از ماشینم خبری نیست.

او روی پشت بام می‌رود شاید ماشینش را ببیند؛ «روی سقف خانه آن قدر تگرگ جمع شده بود که پاها را در آن‌ها فرو می‌رفت. تکه‌های تگرگ سنگین و آزار دهنده بود. حدود یک متری روی هم جمع شده بود. به زحمت خودم را تا لبه پشت بام رساندم. هنگامی که نگاهی به وضعیت کوچه انداختم، تازه متوجه ابعاد خرابی سیل شدم. اثری از ماشینم نبود و سیل آن را برده بود.»

منطقه



عکس: مهدیه غفورپایان / شهرآرا

مراسم آغاز بندگی برای ۱۱۰ دختر برگزار شد

جشن فرشته‌ها در محله بهشتی



منطقه



امید
محله

نوجوان رزمی کار محله قائم (عج)
از مشکلات ورزش دوستان محله می گوید

سدی به نام هزینه مسابقات

سمیرا منشادی | استعدادش در ورزش کیو کوشین را از پدرش به ارث برده است.

هر جا که صحبت از فرد تأثیرگذار زندگی اش می شود، سیدفؤاد حسینی از پدرش و مربی هایش، علی اصغر هاشمی و رضا عابدینی، یاد می کند و خودش را مدیون راهنمایی های آن هاست. حسینی دانش آموز کلاس یازدهم و شانزده ساله است و در رشته تجربی درس می خواند. این ورزشکار محله قائم (عج) از هفت سالگی ورزش را شروع کرده است و بیش از پانزده مقام اول تا سوم استانی دارد. همچنین در مسابقات کشوری کیو کوشین سال ۱۳۹۸ مقام اول و در سال ۱۴۰۰ مقام دوم کاتای کشوری را کسب کرده است. او این روزها تمرکزش را برای کنکور گذاشته است تا بتواند در رشته مورد علاقه اش در دانشگاه ادامه تحصیل بدهد.

● آیا ورزش پدرت روی انتخاب شما تأثیر داشته است؟

بدون تأثیر نبوده است. اما خودم هم به رشته های رزمی علاقه دارم. اگر پدرم کیو کوشین کار نمی کرد، باز هم یکی از شاخه های رشته رزمی را انتخاب می کردم.

● اولین بار در چه سنی به مسابقات رفتی؟

هشت ماه بعد از اینکه شروع به ورزش کردم. برای مسابقه های استانی اعزام شدم. آن زمان هفت سالم تمام شده بود و وارد هشت سالگی شده بودم.

● تجربه ات را از اولین مسابقه و جوی که آنجا حاضر بود، برایمان بگو.

قبل از اینکه در مسابقه های استانی شرکت کنم، با بچه های باشگاه خودمان و سایر باشگاه ها مسابقه داده بودم. اما آن لحظه ای که به همراه سایر دوستانم برای مسابقه استانی وارد سالن شدیم، استرس پیدا کردم. اوج استرس زمانی بود که اسمم را برای مبارزه با حریف اعلام کردند. پدرم و مربی ام که متوجه استرسم شده بودند، گفتند: «این هم مانند همان مسابقه های داخل باشگاه خودمان است، اصلاً خودت را درگیر اسم و عنوان مسابقه نکن و روی مبارزه ات تمرکز کن»، در آن مسابقه، مقام دوم استانی را به دست آوردم.



● انتقال آموزه های دینی در قالب بازی

مدیر بهزیستی مشهد با بیان اینکه با هدف گسترش فرهنگ نماز و ترویج آموزه های دینی این مراسم برگزار شد، توضیح می دهد: بچه های امروز از دو گروه هستند، یکی فرزندان دختری که در خانواده های کم برخوردار زندگی می کنند و تحت پوشش بهزیستی قرار دارند و گروه دیگر دخترانی که در خانه های خودشان، مورد حمایت مافزار دارند. جواد بهنام با بیان اینکه در این مراسم سعی شده است برای دختر بچه هایی که از مزیت های اجتماعی کمتری برخوردارند، مراسم خوبی برگزار شود. می گوید: ۱۱۰ دختر ۷ و ۱۰ ساله در مراسم امروز حضور دارند و مربیان از روزهای قبل با آن ها سرود و کلمه خوانی کار کرده اند و آموزه های دینی در قالب بازی و مسابقه به دختران آموزش داده شده است تا امروز به عنوان یک روز پرشکوهِ و خاطره ای ماندگار در ذهن آن ها بماند.

دبیر اجرایی بنیاد نیکوکاری عماد نیز در ادامه با بیان اینکه خیران، بخشی از هزینه های جشن امروز را قبول کرده اند، توضیح می دهد: جشن هایی که به این شکل برگزار می شود، در ذهن کودکان تا سال ها ماندگار می ماند، به همین دلیل تصمیم گرفته شد که مراسم به گونه ای باشد که در کنار جشن و شادی، هدایایی به بچه ها داده شود.

● خاطره ای ماندگار

سعید کاظمی با اشاره به اینکه بنیاد نیکوکاری عماد برای برگزاری برنامه های مختلف با کمک خیران آماده است، بیان می کند: برپایی برنامه های فرهنگی، سرمایه گذاری بزرگی برای تربیت فرزندان و پرورش نیروی انسانی در آینده است؛ چون کودکان در این برنامه ها با موضوعاتی آشنا می شوند که می توانند در بهبود کیفیت زندگی آن ها اثرگذار باشد.

طوطیا، دختر نه ساله ای است که در خانواده و تحت حمایت بهزیستی زندگی می کند. او که یکی از دکلیمه خوانان جشن تکلیف بوده است، با ذوق و شوق زیاد می گوید: دکلیمه در باره امام رضا (ع) بود و یک روزه توانستم آن را با کمک مادرم حفظ کنم. حفظ کردن شعر را دوست دارم و زود یاد می گیرم.

چادر گل گلی اش را نشان می دهد و می گوید: امروز برای ما جشن گرفتند تا بدانیم از این به بعد باید نماز خود را در سه نوبت بخوانیم، دروغ نگوییم، روزه بگیریم و جلونا محرم حجاب کنیم.

سارا دختر دیگری است که در مراسم امروز توانسته است جواب سؤالات مربی را بدهد و از او یک روسری هدیه بگیرد. می گوید: مربی پرسید چه کسی می تواند دوازده امام را به ترتیب نام ببرد و من زودتر از همه دستم را بالا بردم و جواب درست را گفتم. همه برای من دست زدند. /

● تا به حال در مسابقه ای شکست

خورده ای که توقعش را نداشته باشی؟

بله، برای مسابقه کاتای استانی سال ۱۳۹۸ خیلی تمرین کرده بودم و اطمینان داشتم که مقام اول را به دست می آورم، اما نمی دانم آنجا چه اتفاقی افتاد که بخشی از کاتا را فراموش کردم و مقام دوم را به دست آوردم. به نظرم هر شکست، مقدمه ای برای پیروزی است و شکست ها درس های بزرگی به مادر زندگی مان می دهند.

● برای آینده ورزش و درس هایت چه برنامه ای داری؟

این روزها بیشتر تمرکزم را برای کنکور گذاشته ام. به رشته داروسازی علاقه بسیار دارم و می خواهم در آینده، این رشته را برای ادامه تحصیلم انتخاب کنم. اما خودم را از ورزش دور نمی بینم. می خواهم برای گرفتن مدرک مربیگری اقدام کنم و باشگاهی برای بچه های با استعداد محله خودمان تأسیس کنم.

● در محله تان امکانات ورزشی به اندازه کافی هست؟

متأسفانه به رشته های رزمی و ورزشکارانی که در این رشته فعالیت دارند، توجه لازم نمی شود. استعداد های خوبی در محله مان هست، اما به خاطر هزینه زیاد کلاس ها و هزینه مسابقه های کشوری و بین المللی از ادامه ورزش و شرکت در مسابقه ها منصرف می شوند. برخی از باشگاه ها حتی امکانات اولیه رشته رزمی را ندارند و بچه ها با کمترین امکانات، خود را برای مسابقه ها آماده می کنند. /



منطقه



محلات منطقه ۷:

- ۱۲: عنصری، ۱۷: شهرپور، کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، خلیج، عسکریه، انقلاب، بهارستان، ابودر، قائم (عج)، زارعین، طرق
- ۱۸: سرشور، جنت، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره) شهید بهشتی و آبشار

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سرمدیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۷ و ۸: حمیده صفائی
تلفن شهرآرا محله منطقه ۷: ۳۱۲۹۴۷۸۱
تلفن شهرآرا محله منطقه ۸: ۳۱۲۹۱۸۶۳-۴

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۷: خیابان پروین اعتصامی ۱۸ - پست ساختمان شهرداری منطقه ۷
دفتر منطقه ۸: کوهسنگی ۳۱، پارکینگ بوستان کوهسنگی، چهارسوق هنر (سوق چهارم)
سایت مشهدچهره: mashhadchehreh.shahranews.ir دریافت نسخه
الکترونیک شهرآرا محله از: shahranews.ir

منطقه



دانش آموزان ابتدایی محله طرق یک رقابت هیجان انگیز را تجربه کردند پرواز موشک ها به دست کودکان

نجمه موسوی زاده اولین دوره مسابقات «موشک آبی» ویژه مدارس ابتدایی دوره دوم محله طرق در مجموعه ورزشی شهید رفیعی برگزار شد. هدف از برگزاری این مسابقات، آشنایی دانش آموزان با کار گروهی و کشف استعداد و علاقه آن ها بود. در این مسابقه هشتاد و دو تیم دختر و پسر از ۱۰ مدرسه ابتدایی شرکت کردند. آن ها با استفاده از ابزارهای بسیار ساده مانند بطری پلاستیکی، مقوا، کارتن، چوب های نازک، توپ و چسب، موشک آبی ساختند. جوایز این مسابقات برای گروه اول ۲ میلیون تومان، گروه دوم یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و گروه سوم ۷۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده بود.



رنگ عکس: نجمه موسوی زاده/شهرآرا

علیرضا موسوی پور و ابوالفضل یاری، اسم گروهشان را «شهید حاج قاسم سلیمانی» گذاشته اند. ساخت موشک آن ها یک هفته زمان برده است و می گویند: علاقه زیادی به ساخت پادبادک و پرواز آن داشتیم اما این بار کار متفاوت بود؛ باید موشکی می ساختیم که بتواند با موشک سایر بچه ها رقابت کند.



علی اکبر غلامرضا پور، پدر سجاد، دانش آموز کلاس چهارمی است که همراه دوستش در این مسابقه شرکت کرده است. او که به فرزندش برای ساخت موشک کمک کرده است، می گوید: برگزاری برنامه هایی که هم جنبه سرگرمی دارد و هم باعث رشد آموزشی و مهارتی بچه ها می شود، جای قدر دانی و تشکر دارد.



«وطن دوستان» نام گروه امیرحسین دهقانیان و سید امیرحسینی مقدم است. آن ها توضیح می دهند: چهار تا موشک ساختیم و در زمین خاکی نزدیک خانه مان امتحانش کردیم تا متوجه ایراد های موشک شویم و آن ها را برطرف کنیم. امیدواریم امروز برنده مسابقه، ما باشیم و خوشحال به خانه برگردیم.

با اینکه سایبان هایی برای تماشاچیان در نظر گرفته شده، هیجان مسابقه آن قدر زیاد است که برخی از دانش آموزان و والدین دور زمین چمن جمع شده اند تا از نزدیک پرتاب موشک ها را تماشا کنند.



حامد دلیر، مدرس رشته هوا فضا است و به عنوان مربی به همه مدارس ابتدایی محله طرق رفته و ساخت موشک را به بچه ها آموزش داده است. او می گوید: وزن، خلاقیت، انحراف از مسیر و زمان، از گزینه های مدنظر مسابقه است که بر اساس آن، امتیاز داده می شود. هر گروه می تواند دو مرتبه موشک خود را پرتاب کند و هر چه زمان پرتاب طولانی تر باشد، تیم امتیاز بیشتری می گیرد.

